



قربان سلیمانی بخشی و نوازنده دوتار و خواننده موسیقی محلی و از ترک‌های شمال خراسان بود. حاج قربان در کنسرت‌هایی در ایران و خارج از ایران شرکت کرد و یک آلبوم از آثار او منتشر شد. او همچنین به کشورهای بسیاری مانند پرو، هلند، تونس، ترکیه، بلژیک، انگلستان، سوئیس، کلمبیا، اکوادور، پاناما، فرانسه و چند شهر آمریکا نیز سفر کرد. از جمله افتخارات وی می‌توان به کسب مقام اول جشنواره موسیقی لیون فرانسه و همچنین احراز مقام ستاره جشنواره اوبینون فرانسه اشاره کرد. او ده‌ها اجرای دوتارنوازی در کنسرت‌های موسیقی کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکا داشت. حاج قربان در ایران هم مقام‌های برتر جشنواره موسیقی فجر ایران بین سال‌های ۶۹ تا ۷۱ را به دست آورد و دوازده دوره متوالی داور ثابت جشنواره‌های موسیقی مقامی کشور بود.

پیمان بزرگ نیا در خصوص موسیقی نواحی ایران مطرح شد

آبودی موسیقی نواحی دادرآمده است

موزه فرهنگ‌های مختلفی که در کشور ما وجود دارد و از هزاران سال قبل تا به امروز باقی مانده، موسیقی نواحی ایران بی‌ناپذیر و متصل به این فرهنگ و هنر است و طی سال‌های قبل همراه با زندگی و آداب و رسوم اقوام ایرانی پدید آمده است. اگرچه جای تأسف است که به دلیل سیاست‌نشدن از موسیقی اقوام ایران طی زمان، آرام آرام بسیاری از این ارزش‌ها را از دست دادند. بدون آنکه ثبت و ضبط شوند از بین رفته‌اند و این میراث گرانبها یا خالق آن در زیر آوارها خاک پنهان شد و رفت. البته این کم‌توجهی در روزگار امروز هم دیده می‌شود و یک دلیل آن تکنولوژی و ورود زندگی شهری به روستاهاست. محمدرضا درویشی جبر زمانه بر شرایط جامعه تأثیرگذار است و موجب تغییر و تحولات ناگهانه در فرهنگ و هنر ایران است. از این رو با برگزاری میزگردی با موضوع موسیقی نواحی ایران و بررسی مشکلات و مسائل این موسیقی کهن و با نواختن نواحی ایران، رضا مهدوی نوازنده و کارشناس موسیقی و پیمان بزرگ نیا نوازنده و پژوهشگر موسیقی نواحی در خصوص موسیقی نواحی و نگاه تجدیدگرای که در این موسیقی رخ داده است به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:



این حوزه یا بی‌انگیزه و خانه‌نشین شده‌اند یا مهاجرت کرده‌اند. در بحث آموزش، آیا این امکان وجود دارد موسیقی نواحی ایران به مراکز آموزشی راه پیدا کند؟ این موضوع در حفظ و ماندگاری این موسیقی چه میزان اثرگذار است؟ مهدوی: اواخر دهه ۷۰ و در دوران معاونت هنری مهدی س کاظمی طرحی به ایشان پیشنهاد کردم با عنوان شاگرد-استادی با این موضوع که مکتبخانه‌های موسیقی نواحی ایران را راه‌اندازی کنیم و ایشان هم استقبال کردند و این موضوع با آقای تعیمی رئیس وقت انجمن موسیقی مطرح شد.

هستند اما صنفی که از این موسیقی صیانت کنند، تعریف نشده است. بنابراین وزارتخانه‌های میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و فرهنگ و ارشاد اسلامی بایستی تلاش بیشتری در این زمینه داشته باشند. در حال حاضر بسیاری از هنرمندان این گونه موسیقی، حتی از کمترین امکانات که بیهوده است بر خود را نیستند و از نگاه من هیچ اقدامی در حوزه موسیقی نواحی ایران انجام نگرفته است. آقای محمدرضا درویشی، بنیانگذار جشنواره موسیقی نواحی ایران سال‌ها قبل این جشنواره را راه‌اندازی کرد و بسیاری از پیشکسوتان موسیقی نواحی ایران در این جشنواره معرفی

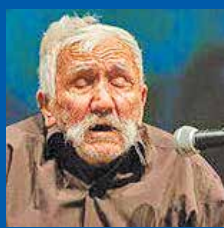


حسین نقی زاده / ایران

شدند اما بعد از آن چه اتفاق تازه‌ای در جشنواره موسیقی نواحی ایران رخ داد؟ چه اقدامی در تجلیل و تکریم این هنرمندان و حفظ این موسیقی صورت گرفته است؟ با تأکید می‌گویم دولت چهاردهم آخرین فرصت برای حفظ فرهنگ ایران خصوصاً موسیقی نواحی ایران است و زمان آن رسیده که توجه جدی به این بخش باشد از فرهنگ شود و سرنوشت آن را به دست نخبگان کاربلد و دلسوز سپارند. تأکید می‌کنم خیلی زود دیر می‌شود. کاری نکنیم که نتوانیم جوابگوی نسل‌های بعدی باشیم؛ موسیقی نواحی ایران قابلیت جهانی شدن دارد؛ موسیقی‌ای است که در طول تاریخ حامل گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و صلح درون ایران بوده، پیام‌آور صلح و غرور ملی است، اما امروزه به دلیل بی‌توجهی به برپا رفته و در حال نابود شدن است. در واقع گویش‌ها و سازها هستند اما هویت تغییر کرده و بسیاری از هنرمندان بزرگ و شاخص

شدند اما بعد از آن چه اتفاق تازه‌ای در جشنواره موسیقی نواحی ایران رخ داد؟ چه اقدامی در تجلیل و تکریم این هنرمندان و حفظ این موسیقی صورت گرفته است؟ با تأکید می‌گویم دولت چهاردهم آخرین فرصت برای حفظ فرهنگ ایران خصوصاً موسیقی نواحی ایران است و زمان آن رسیده که توجه جدی به این بخش باشد از فرهنگ شود و سرنوشت آن را به دست نخبگان کاربلد و دلسوز سپارند. تأکید می‌کنم خیلی زود دیر می‌شود. کاری نکنیم که نتوانیم جوابگوی نسل‌های بعدی باشیم؛ موسیقی نواحی ایران قابلیت جهانی شدن دارد؛ موسیقی‌ای است که در طول تاریخ حامل گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و صلح درون ایران بوده، پیام‌آور صلح و غرور ملی است، اما امروزه به دلیل بی‌توجهی به برپا رفته و در حال نابود شدن است. در واقع گویش‌ها و سازها هستند اما هویت تغییر کرده و بسیاری از هنرمندان بزرگ و شاخص

علی اصغر ابراهیم‌نژاد اولین فردی بود که دوتار را به گرجی محله آورده است؛ مردی که بی‌گمان دوتار مازندران مدیون کار و زحمت بزرگانی چون اوست. علی اصغر ابراهیم‌نژاد نزدیک به ۱۰۰ سال سن داشته و می‌گفت: «در جنگ جهانی به دنیا آمده و آن زمان رضاشاه دستور داده بود همه مردم دارای شناسنامه باشند. شناسنامه من نیز به تاریخ ۱۳۰۶ صادر شده در صورتی که من آن زمان ۶ سال و بیست‌وسه سال داشتم. ابراهیم‌نژاد بعد از سال‌ها توانست روی صحنه برود؛ آن هم در پنجمین دوره جشنواره موسیقی آئینه‌دار و دوتار نوازند. البته او علاوه بر این، ساز طبل هم می‌نواخت و به گفته خودش قدمت طبل قدیمی و بزرگش به حدود ۲۰۰ سال پیش می‌رسد.



ثبت نام کند و پولی بدهد نمی‌پذیرد. در این رابطه پول واسطه نیست و رابطه براساس توانایی شاگرد شکل می‌گیرد. او بر این اندیشه است که آیا آن میراثی که در فرد خلاصه شده، می‌تواند به نسل آینده منتقل شود یا خیر؟ اگر شاگرد این موضوع را پذیرفت، می‌گوید بایستی این میراث را همراه با موسیقی که به تو یاد می‌دهم و با اخلاق و رفتار و سیر و سلوک کارهای زندگی من یاد بگیری. یعنی شاگرد عملاً مانند استاد می‌شود و منش و روش او را می‌آموزد. بنابراین این موضوع با کلاس‌های آموزش رسمی موسیقی در تضاد است و موسیقی نواحی ایران باید با همان سیستم استاد-شاگردی آموزش داده شود. در این رابطه تنها موسیقی به شاگرد منتقل نمی‌شود بلکه او حافظ یک بسته هویتی است که باید آن را نگاهداری کند و به نسل‌های بعد از خود انتقال دهد.

بزرگ نیا: موسیقی در خاندان‌های موسیقی جاری است و از کودکی صدای ساز در گوش آنها بوده و آرام آرام با این ساز انس گرفته‌اند و سینه به سینه منتقل شده است. من بر این نظرم احساس در موسیقی نواحی باید جریان داشته باشد و در فرم و شکل اجرای میکروتون‌ها و فواصل لحن و لهجه بومی حفظ شود. بر این اساس شیوه نت‌نویسی رایج در موسیقی نواحی ایرانی کاربردی ندارد به این علت که موسیقی نواحی حالت‌های حسی دارد و تئوری آن قابل نوشتن و قواعد نیست انتقال موسیقی نواحی باید طبق اصول خاندان‌های قدیم باشد و علاقه‌مندان به آن باید مسیر شاگرد-استادی را طی کنند و به شیوه مکتبخانه‌های موسیقی را یاد بگیرند.

درخشش اجرایی آیا موسیقی نواحی ایران این قابلیت را دارد که با موسیقی‌های دیگر مانند پاپ یا سنتی تلفیق شود و ویژگی‌های خود را از دست ندهد؟ یا آیا این تلفیق لطمه‌ای به این موسیقی وارد می‌کند؟ مهدوی: واقعیت امر این است تلفیق و تنظیم موسیقی نواحی، موجب تأمیر شدن یا تعدیل شنیداری را در پی خواهد داشت. البته در حال حاضر ذوق‌های مختلف اتفاق‌های خوبی رخ داده است مانند اثر «شب، سکوت، کویر» محمد رضا شجریان و کیهان کلهر که با دوتار خراسانی سلیمانی بوده است و به مراتب در دیگر کارها هم داشته‌ایم و همچنان می‌توان تولید کرد اما باید دید تا چه حد میدان می‌دهند؟ مانند بازخوانی و بازآفرینی آثار قدیمی. اگر از اصل کار بهترتر شود اشکالی بر آن وارد نیست و نوآوری و خلاقیتی هم وارد گرفته است اما اگر به اصل آن لطمه زد و موجب از بین رفتن ظرافت آن شود نباید چنین خطایی را مرتکب شد. وجدانی: کارهای بسیاری اتفاق افتاده اما دلیلی بر تأیید و درست بودن آن نیست. موسیقی یک عنصر فرهنگی است و برداشته نوازی و تگ نوازی استوار است، بنابراین چه لزومی دارد این عنصر فرهنگی را که بیان فرهنگ منطقه خود است به خاطر علاقه‌مندی یکسری افراد تغییر بدهیم؟

نداشتم اما کسانی از کشورمان در این جشنواره شرکت کردند که متأسفانه امروز در بین ما نیستند. حاضران آن جشنواره همه یک حرف مشترک داشتند آنها به عشق دیدن دهل و سوزنای شاه میرزا مراد به آنجا آمده بودند. آنها بنابراین تلاش ما این است کارهایی را ارائه بدهیم که مورد پسند گردشگر قرار بگیرد اما بایستی در این زمینه درک و شناخت آنها را بیشتر کنیم

بزرگ نیا: با تأکید می‌گویم دولت چهاردهم آخرین فرصت برای حفظ فرهنگ ایران خصوصاً موسیقی نواحی ایران است و زمان آن رسیده که توجه جدی به این بخش مهم از فرهنگ شود و سرنوشت آن را به دست نخبگان کاربلد و دلسوز سپارند

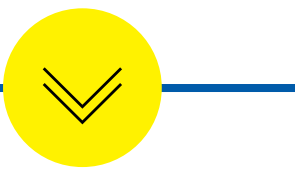


تا اصالت را از ما بخواهند. وظیفه ما انتقال درست فرهنگ از گذشتگان است. ما نمی‌خواهیم برای مردم پاریس دوتاری بزیم که بوی گیتار بدهد ما دوتاری می‌خواهیم که بوی اصالت بدهد و لایحه آن این است که سیستم استاد-شاگردی پیش برود. مجری موسیقی چیزی از گذشته‌ها آورده که برای او بسیار مقدس است و می‌خواهد همان را از طریق شاگرد انتقال بدهد و این استمرار فرهنگی انجام بگیرد. در واقع یکی از کارکردهای فرهنگ همان استمرار است. جالب است ما در حوزه پزشکی قبول داریم یک متخصص چشم نباید درباره گوش اظهار نظر کند اما در مورد موسیقی کسی که اهل موسیقی است باید همه چیز را بداند و اصلاً این دیدگاه وجود ندارد.

بزرگ نیا: همیشه گفته‌ام و بار دیگر می‌گویم موسیقی ما آتقدر غنی است که نیاز به تلفیق شدن با ساها و فرم‌های غیر ایرانی ندارد. امروزه برخی از پیشکسوتان موسیقی نواحی ایران به سمت پاپ‌زدگی و غرب‌زدگی رفته‌اند. جالب است بدانید پیشکسوتی که نام و جایگاهی دارد در این جذب مخاطب، طبق اصول فرم گروه‌ها حتماً باید یک ویولنسل (که مخاطب رنگ و لعاب و زرق و برق پاپ‌ها به قولی اس‌انجلیسی ببیند و بلیت بفروشند) من بر این عقیده‌ام که موسیقی نواحی باید در زاده‌ها خود تجلی پیدا کند. اگر این موسیقی در زاده‌ها خود دچار فرهنگ‌سازی و تجدید بر اساس اصالت شود، دیگر نباید نگران باشیم مثلاً سازهای ایرانی مانند تار یا بهار، کنار دوتار و سایر سازهای اقوام قرار بگیرد؛ این موضوع خیلی بهتر از آن است که سازهای غربی را تغییراتی در سوزن‌بندی رخ دهد. در واقع آتقدر خطر این موسیقی را تهدید کرده که سخن بسیار است. مشکل دیگری که در زمینه موسیقی نواحی وجود دارد نگاه‌های خیلی تصبی به موسیقی است. نوآوری با توجه به نیازهای شنیداری نسل جوان شکل می‌گیرد و چه بهتر که الگوسازی و آگاهانه انجام شود. ما باید پیشکسوتان را ارج نهمیم اما متأسفانه ذائقه‌ها عوض شده است. در حال حاضر موسیقی ما با یک نسخه درمان نمی‌شود و نیاز به یک جراحی دارد که باید یک متخصص آن را نجات دهد. بار دیگر تأکید می‌کنم باید نوآوری بر اساس اصالت‌های موسیقی منطقه انجام گیرد. ما برای حفظ فرهنگمان نیازمند جراحی در این حوزه هستیم. یعنی با شناخت در نظر اسالی اصالت‌ها، تجدیدنظر در تک‌نوازی و تعصب در این حوزه شکل بگیرد.

من در گروه سازینه این کار را انجام داده‌ام، به این دلیل که این موسیقی‌ها ریشه‌های مشترک دارند. ما در گروه سازینه تلاش کردیم اصالت‌ها را بین نروید و به اشتراکات برداختیم چون موسیقی نواحی ما اغلب خواننده‌محور است و یک تزجیره از رپرتوار از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق موجود است که روی نته‌های مشترک فرود می‌آید. این امر در مناطق سرحدی ایده‌آل است چون موسیقی‌ها در این گونه موسیقی ملی ما یعنی تمام موسیقی اقوام ایران. موسیقی با این قدمت و پیشینه فرهنگی و تکنر قومیتی، یک ارکستر ایرانی ندارد که تمام سازهای ایرانی باشند!

شیرمحمد اسپندار نوازنده ساز دولتی اهل ایران در بلوچستان است. او موفق به کسب دکترای افتخاری موسیقی سنتی از کشور فرانسه و دیپلم افتخار نوازندگی در ایران شده است. تندیس او و نخستین دولتی در موزه تهران به یادگار گذاشته شده است. شیرمحمد اسپندار، معروف‌ترین دولتی‌نواز بلوچستان و ایران، مهم‌ترین و زیباترین مقام‌ها و آهنگ‌های بلوچی را نواخته است. تندیس او و نخستین دولتی در موزه تهران به یادگار گذاشته شده است. وی نواختن دولتی را با نگاه کردن به انگشتان کسی که هم‌زمان در نواخته، فراگرفته است.



وقتی هیچ برنامه و نگاه دقیقی برای موسیقی نواحی نداریم

از کدام موسیقی و چگونه دفاع می‌کنیم؟

یادداشت

علی مغازه‌ای

پژوهشگر موسیقی نواحی ایران

پوشیده نیست که موسیقی ایران دارای تنوع فرمی، لحنی، ادبیاتی و البته سبکی ویژه و منحصربه‌فرد میان تمام ملل جهان است. بدون داشتن تعصب می‌توانیم این تنوع را عامل تمایز و شاید برتری موسیقی ما نسبت به سایر کشورها برشماریم اما خود توان بهره‌برداری درست از این تمایز را نداریم چون رویکردهای متنوعی در قبال آن داریم. تصور ندارم حتی سخنمان با سخنان میهمانان میزگردتان مخفونی چندانی داشته باشد. ما هر کدام مان با شناخت مشخص، جهت‌مند و احتمالاً محدودمان، دآوری خودمان را درباره موسیقی‌های رایج در کشورمان ارائه می‌کنیم؛ دآوری‌هایی که رسیدن به یک دیدگاه کلان و راهگشا را ناممکن یا بس دشوار می‌سازند، اما دشواری پرداختن به این بحث ریشه در رویکردهای مدیریتی در حوزه موسیقی دارد؛ مدیرانی که تنها از اهمیت موسیقی نواحی و اقوام صحبت می‌کنند اما درک درستی از شیوه پرداختن به آن ندارند. سال‌هاست که برگزاری جشنواره‌های متنوع زیر عنوان یا عبارت موسیقی نواحی ایران، مهم‌ترین و بارزترین کنش و فعالیت مدیریتی در این حوزه محسوب می‌شود؛ جشنواره‌هایی که شمارشان از دست خارج شده است. افرادی هم به شکل حرفه‌ای جزو ترکیب اجرایی، هنری، انتخاب، دآوری و دبیری این جشنواره‌ها شناخته شده و گویا شغلی سازمانی اما غیررسمی برایشان تعریف شده است. تعدادی از این دوستان نیز در سه سال گذشته به جرگه مدیران پا نهاده و تکیه بر



سال‌هاست که برگزاری جشنواره‌های متنوع زیر عنوان یا عبارت موسیقی نواحی ایران، مهم‌ترین و بارزترین کنش و فعالیت مدیریتی در این حوزه محسوب می‌شود؛ جشنواره‌هایی که شمارشان از دست خارج شده است

مناصبی هم زده‌اند. خوب حاصل این روند در طول چهار دهه گذشته، بر ساخت غولی به نام موسیقی نواحی شده است که مشخص و معلوم نیست چگونه باید به آن نگاه کرد. چگونه باید نقاط قوت و ضعفش را دید و چگونه باید از آن حمایت کرد یا نسبت به بالایشش اقدام کرد. نوعی تقدس برایش ساخته شده که انگار چیزی بوده ازلی و آسمانی که امروز در سپهر بی‌توجهی دولتیان و غفلت اجتماعی، رو به زوال و نابودی گذاشته است. شاید هم این گونه است اما این زوال به باور من، نه از روی بی‌توجهی که حاصل پرتوجهی بوده است. توجهات بسیار اما ناصحیح، غیراصولی و بی‌برنامه!

هر سازمانی و هر مدیری برای خود یک برنامه موسیقی نواحی ترتیب می‌دهد بی‌آنکه بداند چه بلایی بر سرش می‌آورد. ساختن هویتی نامدوم، نامشخص و نامحدود با عنوان موسیقی مظلوم نواحی ایران. برخی از عزیزان و مدیران حتی به دنبال تأسیس دانشگاه برای آن هستند یا یوندد، در حالی که چشم‌اندازی ناروشن از آن داشتند. به باور امروزین خودم، پرسش امروز این نیست که چرا موسیقی نواحی مورد بی‌مهری واقع می‌شود یا چرا به آموزش در این زمینه کم‌توجهی شده است؟ پرسش و پرسش‌های واقعی ما امروز باید این‌گونه باشند که موسیقی نواحی چیست؟ موسیقی نواحی کدام است؟ هنرمند موسیقی نواحی کیست؟ رپرتوار موسیقی نواحی چیست؟ کارکرد و کاربردهای موسیقی‌های نواحی ایران امروز چیست؟ ما چگونه می‌توانیم از این موسیقی‌ها استفاده اصولی، درست، حساب شده و به اندازه داشته باشیم؟ همچنین چگونه باید در این موسیقی‌ها سهره را از ناسره بازشناسی کنیم؟ ارزش‌هایی که به آن انتصاب بخشیده‌ایم آیا واقعی‌اند یا زاده تصور و تخیل یا شاید ضرورت‌های سیاسی-اجتماعی در بستر تاریخ تحولات حاکمیتی؟ حال از شما و کارشناسان می‌پرسم، چگونه باید به موسیقی نواحی، آموزش، اهمیت، نقش و جایگاهش بپردازیم، در حالی که پاسخ‌های جامع و مناسبی برای این پرسش‌ها نداریم! در این دقیقه است که می‌توان به پرسش‌های نهایی و راهگشا رسید که هدف، نقش، وظیفه و برنامه ما در خصوص موسیقی نواحی چیست؟

